

قتل عام معدنچیان «باب نیزو» در آستان سرمایه

کمیته هماهنگی

سه شنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۸۸



معدن زغال سنگ باب نیزو در نزدیکی شهر زرنند در استان کرمان بازم منفجر شد و شمار زیادی از کارگران جان خود را از دست دادند. این انفجار حدود ساعت ۱۲ ظهر روز یکشنبه ۳۰-۱-۸۸ روی داد و اخباری که تا کنون در این مورد مخابره شده تعداد کشته شدگان را دست کم ۱۲ نفر اعلام کرده است. شمار دقیق و قطعی کارگران جان باخته بیش از این رقم است زیرا هنوز تمام آنان از زیر آوار

بیرون کشیده نشده اند. براساس همین اخبار، تعدادی از کارگران حتی پیش از انفجار مسموم شده و جان خود را از دست داده بوده اند. این نکته نشان می دهد که درصد گاز متان موجود در معدن بسیار بالا بوده است. یادآوری می کنیم که در طول سه سال و نیم اخیر این سومین بار است که این معدن منفجر می شود و کارگران قربانی حرص سیری ناپذیر سودطلبی سرمایه داران می شوند. بار اول در شهریور ۱۳۸۴ بود که در جریان آن ۹ کارگر کشته شدند و بار دوم، شهریور ۱۳۸۷ که در آن ۲ کارگر به قتل رسیدند. در تمام این موارد، عاملی که باعث انفجار معدن شده عدم تهویه گاز متان بوده است. میزان استاندارد گاز متان در معادن زغال سنگ یک درصد است در حالی که در انفجارهای قبلی معدن باب نیزو این مقدار بیش از ۵ درصد بوده است. کارفرمای این معدن که یک شرکت خصوصی به نام «دلتا ۱۰۰۰» است و معدن را از وزارت صنایع و معادن جمهوری اسلامی اجاره کرده است در انفجارهای قبلی اعلام کرده بود که دستگاه تهویه گاز متان گران است و او قادر به خرید آن نیست!! باید این



سرمایه دار آدم کش پرسید چه طور است که او قادر است سودی را که از تن و جان معدنچیان بیرون می کشد در زمینه های دیگر سرمایه گذاری کند تا سودهای بازم بیشتر به دست آورد اما قادر نیست با این همه سود فراوان یک دستگاه تهویه خریداری کند؟!

واقعیت این است که در جهنم سرمایه داری ایران تنها چیزی که ارزش ندارد جان کارگر است. سرمایه داری که

می بیند بدون هزینه برای ایمنی محیط کار می تواند کارگاه را اداره کند و کارگران را به شدیدترین نحو استثمار کند به خود می گوید مگر دیوانه است که برای ایمنی محیط کار پول خرج کند!! حداکثر اتفاقی که ممکن است برای او

بیفتد رویدادی از همین دست است که در جریان آن ها ده ها کارگر جان خود را از دست می دهند!! چه باک!! جان کارگران که مهم نیست. بگذار انفجار گاز درون ریه هایشان آنان را ده تا ده تا و حتی صدتا صدتا از درون بترکاند و دل و روده شان را تکه تکه کند. از این موجودات تا دلت بخواهد پشت در معدن صف بسته اند و حاضرند حتی با دستمزد بسیار کمتر جای کشته شدگان را پر کنند. از نظر ضرر مالی نیز دست بالایش این است که دادگاه او را ملزم به پرداخت غرامت به خانواده های کارگران کشته شده کند، غرامتی که بی هیچ تردید مقدارش بسیار کمتر از هزینه برای ایمنی معدن است. با این حساب، آیا هیچ سرمایه دار عاقل و واقع بینی برای ایمنی محیط کار پول خرج می کند؟!

بی هیچ تردیدی، قاتل معدنچیان باب نیز و رابطه اجتماعی سرمایه و نظام مدافع این رابطه است. در جهنم سرمایه داری ایران، سرمایه جز به این صورت نمی تواند وجود داشته باشد. تا زمانی که این رابطه ضد انسانی وجود دارد کارگران نیز این گونه سلاخی و کشتار می شوند. برای پایان دادن دادن به این کشتارها باید به موجودیت این رابطه پایان داد و این امر نیز قبل از هر چیز مستلزم سازمانیابی شورایی و



سراسری کارگران علیه سرمایه است.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۳۱ فروردین ۱۳۸۸

www.hamaahangi.com

khbitkzs@gmail.com